عنوان:

فهم رابطه صحیح تکلیف مداری با نتیجه گرایی

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | m-t-58 |
| رده | مهارتی/تشکیلاتی/مبانی و اصول/مولفه های تشکیلات توحیدی/وظایف اعضاء |
| برچسب | تکلیف، نتیجه، پیروزی، شکست، امام خامنه ای |
| توضیحات |  |

یکی از دوگانه های مطرح در فعالیت ها بحث تکلیف مدار بودن یا نتیجه‌گرا بودن است. بعضی اوقات یک فهم اشتباهی طرح می‌شود و عده‌ای معتقد می‌شوند که اصلا نباید دنبال نتیجه بود و معنای تکلیف‌گرایی آن است که اصلا نباید به نتیجه نظر داشت؛ در حالی که طبق مبانی صحیح هر دوی این مقوله‌ها باید مورد توجه و تاکید باشد.

مقام معظم رهبری در بیاناتی رابطه‌ی تکلیف‌مداری و نتیجه‌گرایی و نحوه‌ی نگاه صحیح به آنها را بیان نموده‌اند:

«يك سؤال ديگر اين است - كه اينجا هم باز بعضى از دوستان گفتند- كه رابطه‏ى «تكليف‏ مدارى» با «دنبال نتيجه‏ بودن» چيست؟ امام فرمودند: ما دنبال تكليف‏ هستيم. آيا اين معنايش اين است كه امام دنبال نتيجه‏ نبود؟ چطور مى‏شود چنين چيزى را گفت؟ امام بزرگوار كه با آن شدت، با آن حدّت، در سنين كهولت، اين همه سختى‏ها را دنبال كرد، براى اينكه نظام اسلامى را بر سر كار بياورد و موفق هم شد، مى‏شود گفت كه ايشان دنبال نتيجه‏ نبود؟ حتماً تكليف‏گرائى معنايش اين است كه انسان در راه رسيدن به نتيجه‏ى مطلوب، بر طبق تكليف‏ عمل كند؛ برخلاف تكليف‏ عمل نكند، ضدتكليف عمل نكند، كار نامشروع انجام ندهد؛ والّا تلاشى كه پيغمبران كردند، اولياى دين كردند، همه براى رسيدن به نتائج معينى بود؛ دنبال نتائج بودند. مگر مى‏شود گفت كه ما دنبال نتيجه‏ نيستيم؟ يعنى نتيجه‏ هر چه شد، شد؟ نه. البته آن كسى كه براى رسيدن به نتيجه‏، برطبق تكليف‏ عمل مى‏كند، اگر يك وقتى هم به نتيجه‏ى مطلوب خود نرسيد، احساس پشيمانى نمى‏كند؛ خاطرش جمع است كه تكليفش را انجام داده. اگر انسان براى رسيدن به نتيجه، بر طبق تكليف‏ عمل نكرد، وقتى نرسيد، احساس خسارت خواهد كرد؛ اما آن كه نه، تكليف‏ خودش را انجام داده، مسئوليت خودش را انجام داده، كار شايسته و بايسته را انجام داده است و همان‏طور كه قبلًا گفتيم، واقعيت‌ها را ملاحظه كرده و ديده است و بر طبق اين واقعيت‌ها برنامه‏ريزى و كار كرده، آخرش هم به نتيجه نرسيد، خب احساس خسارت نمى‏كند؛ او كار خودش را انجام داده. بنابراين، اين كه تصور كنيم تكليف‏گرائى معنايش اين است كه ما اصلًا به نتيجه نظر نداشته باشيم، نگاه درستى نيست. در دفاع مقدس و در همه‏ى جنگ‌هائى كه در صدر اسلام، زمان پيغمبر يا بعضى از ائمه (عليهم‏السّلام) بوده است، كسانى كه وارد ميدان جهاد مى‏شدند، براى تكليف هم حركت مى‏كردند. جهاد فى‏سبيل‏الله يك تكليف بود. در دفاع مقدس هم همين‏جور بود؛ ورود در اين ميدان، با احساس تكليف بود؛ آن كسانى كه وارد مى‏شدند، اغلب احساس تكليف مى‏كردند. اما آيا اين احساس تكليف، معنايش اين بود كه به نتيجه نينديشند؟ راه رسيدن به نتيجه را محاسبه نكنند؟ اتاق جنگ نداشته باشند؟ برنامه‏ريزى و تاكتيك و اتاق فرمان و لشكر و تشكيلات نظامى نداشته باشند؟ اينجور نيست. بنابراين تكليف‏گرائى هيچ منافاتى ندارد با دنبال نتيجه بودن، و انسان نگاه كند ببيند اين نتيجه چگونه به دست مى‏آيد، چگونه قابل تحقق است؛ براى رسيدن به آن نتيجه، بر طبق راه‏هاى مشروع و ميسّر، برنامه‏ريزى كند.»[[1]](#footnote-1)

1. - بيانات در ديدار دانشجويان در روز نوزدهم ماه مبارك رمضان 1434، 06/ 05/ 1392 [↑](#footnote-ref-1)